

---

# تقوا در قرآن

پژوهشی درباره آثار فردی و اجتماعی

---

سید کمال حیدری

---



انتشارات سخن

www.ketab.ir

---

|                     |                                                                    |
|---------------------|--------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : حیدری، سیدکمال،                                                  |
| عنوان و نام پدیدآور | : نفوا در قرآن: پژوهشی درباره آثار فردی و اجتماعی / سیدکمال حیدری؛ |
| مشخصات نشر          | : تهران: سخن، ۱۳۹۲.                                                |
| مشخصات ظاهری        | : ۲۸۰ ص.                                                           |
| شابک                | : ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۶۴۴-۷                                                |
| وضعیت فهرست‌نویسی   | : فیا                                                              |
| موضوع               | : نفوا -- جنبه‌های قرآنی                                           |
| رده‌بندی کنگره      | : ۱۳۹۲ ۹۳۰۴۱ ح۷۵/ت/۴ BP۱۰۴                                         |
| رده‌بندی دیویی      | : ۲۹۷/۱۵۹                                                          |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۳۱۸۰۰۰۲                                                          |

---



انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،

خیابان وحید نظری، شماره ۴۸

فکس: ۶۶۴۶۳۸۷۵

[www.sokhanpub.com](http://www.sokhanpub.com)

E.mail: [info@sokhanpub.com](mailto:info@sokhanpub.com)

تقوا در قرآن

پژوهشی درباره آثار فردی و اجتماعی

سید کمال حیدری

لینوگرافی: کوثر

چاپ: دایره سفید

چاپ اول: ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۶۵۰ نسخه

شابک ۷ - ۶۴۴ - ۳۷۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸

مرکز پخش: انتشارات علمی - خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران

شماره ۱۲۲۴ تلفن: ۶۶۴۶۵۹۷۰ - ۶۶۴۶۰۶۶۷

یکی از نویسندگان اهل سنت می‌گوید:

«سخن گفتن درباره‌ی علی بن ابی طالب علیه السلام گوینده را به زحمت می‌اندازد،

چرا که اگر بخواهید حق مطلب را درباره او ادا کند، باید مبالغه و غلو

نماید و اگر در ادای حق او کوتاهی کند، جفا کرده است».

با گذر از این دو گزینه، من درباره ایشان سکوت را گویاترین کلام و

رساترین جمله می‌دانم و در سکوتی آمیخته با خشوع و تواضع، ثواب

این تلاش ناچیز را به مولا امیر مؤمنان علیه السلام پیشکش می‌کنم و از درگاه

باری تعالی امید پذیرش دارم.

کمال حیدری

۱۳ رجب ۱۴۲۱ ه.ق

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای حقیقی پیشه کنید؛ مبادا بی‌ایمان از دنیا بروید.

(آل عمران: ۱۰۲)

﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾؛

آنان که تقوا پیشه کرده‌اند، هرگاه وسوسه‌ای شیطانی به فکرشان خطور کند، [خدا را] به یاد می‌آورند و دیده دلشان بینا می‌گردد.

(اعراف: ۲۰۱)

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾؛

ای گروه مردمان! ما همه شما را از یک زن و مرد [آدم و حوا] آفریدیم و به گروه و قبیله‌های گوناگون تقسیم کردیم تا یک دیگر را بشناسید. به راستی برترین شما در نزد خداوند، پرهیزکارترین شماست. همانا خداوند دانا [و از کردار شما] آگاه است.

(حجرات: ۱۳)

|                                                           |     |
|-----------------------------------------------------------|-----|
| فصل سوم: آثار و نتایج تقوا در دنیا.....                   | ۷۷  |
| حیات طیبه، زندگی پاک.....                                 | ۸۱  |
| فرقان، قدرت تشخیص حق از باطل.....                         | ۸۹  |
| وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً.....       | ۹۲  |
| آثار تقوا بر خانواده و نسل انسان.....                     | ۹۸  |
| فصل چهارم: آثار منفی تبهکاری در دنیا.....                 | ۱۰۳ |
| آثار منفی تبهکاری در عرصه اجتماعی.....                    | ۱۰۹ |
| فصل پنجم: رابطه موجود میان اعمال انسان و حوادث طبیعی..... | ۱۱۹ |
| رابطه حالت درونی انسان با جهان خارج.....                  | ۱۲۸ |
| فصل ششم: نقش علل مادی در پیدایش حوادث طبیعی.....          | ۱۳۳ |
| پرسش مهم.....                                             | ۱۳۸ |
| فصل هفتم: آثار تقوا در جهان آخرت.....                     | ۱۴۹ |
| دوستی پایدار اهل تقوا.....                                | ۱۵۳ |
| فصل هشتم: راه‌های کسب تقوا.....                           | ۱۶۱ |
| ۱. توجه به اهداف اخروی.....                               | ۱۶۳ |
| توصیف بهشت در روایات.....                                 | ۱۶۷ |
| توصیف دوزخ در روایات.....                                 | ۱۶۹ |
| ۲. عشق به خداوند.....                                     | ۱۷۲ |

## فهرست مطالب

|    |                                  |
|----|----------------------------------|
| ۱۵ | پیش‌گفتار                        |
| ۱۷ | مقدمه                            |
| ۱۸ | سرای امتحان                      |
| ۲۱ | صراط مستقیم، راه راست            |
| ۲۴ | ریسمان صعود                      |
| ۳۲ | حسن ختام                         |
| ۳۷ | فصل اول: اهمیت تقوا در قرآن کریم |
| ۳۹ | معانی لغوی تقوا                  |
| ۴۱ | نقش توحید                        |
| ۴۴ | تقوا، هدف عبادت                  |
| ۴۸ | خداوند سرپرست پرهیزکاران است     |
| ۵۵ | برخی از نتایج ولایت الهی         |
| ۶۳ | فصل دوم: مراتب و درجات تقوا      |
| ۶۹ | مراتب و جایگاه مردمان            |

|       |                                    |
|-------|------------------------------------|
| ۱۷۷   | پیروی از پیامبر ﷺ                  |
| ۱۸۵   | برگزیدگان                          |
| ۱۸۸   | درستی روش‌های سه‌گانه              |
| ۱۹۲   | دفع رذایل، رفع رذایل               |
| ۱۹۷   | تفاوت میان عصمت و عدالت            |
| ۱۹۹   | راهکارهای عملی                     |
| ۲۰۲   | تفاوت میان زاهد، عابد و عارف       |
| ۲۰۵   | متون و روایات                      |
| ۲۰۷   | فصل نهم: راه‌های رسیدن به عشق الهی |
| ۲۱۱   | خودشناسی، روش برتر                 |
| ۲۱۷   | شناخت خدا با خدا                   |
| ۲۲۰   | بررسی تحلیلی                       |
| ۲۲۱   | روش ممکن برای شناخت خدا            |
| ۲۲۵   | نقش دین در خودشناسی                |
| ۲۲۹   | پرتوی از روایات                    |
| ۲۳۳   | فصل دهم: ویژگی‌های پرهیزکاران      |
| ۲۴۱   | کتاب‌نامه                          |
| نمایه |                                    |
| ۲۴۷   | آیات                               |
| ۲۶۶   | احادیث و روایات                    |

## سخنی از مؤسسه الامام الجواد (ع) للفکر و الثقافة

انسان در مسیر زندگی و در راه رسیدن به قله‌های مقصود فراز و فرودهای فراوانی دارد. راهی که در پیش روی اوست آمیخته به دشواریها، گرفتاریها و سنگلاخهایی است که گاه انسان را به «سکندری خوردن» و از مسیر منحرف شدن و... تهدید می‌کند. خداوند سبحان که انسان را آفریده است نقشه راه را نیز برای او در جهت رسیدن به هدف رقم زده است. «تقری» برای راهیان نور و حرکت کنندگان در مسیر حق مهمترین عامل دستیابی به «روشنایی»، رهایی از «بن‌بست‌ها» و چیره‌شدن و برگزودن «گره‌ها» است. خداوند سبحان با صراحت در آموزه‌های قرآن به بنده خود هشدار داده است که «اعمال» را از «تقری بیشگان» خواهد پذیرفت و خویشتن‌داران هستند که به قله‌های مقصود نائل می‌آیند. کتاب پیش روی پژوهشی است درباره این موضوع بسیار مهم و ابعاد گسترده آن و نتایج و پیامدهای آن براساس آموزه‌های قرآنی. این اثر یکی دیگر از مجموعه پژوهشهای حضرت آیت‌الله سیدکمال حیدری است که در سلسله تحقیقات قرآنی «مؤسسه الامام الجواد (ع) للفکر و الثقافة» قرار می‌گیرد.

از مدیر فرهنگ گستر «انتشارات سخن» سپاس‌ها داریم که این کتاب را در مجموعه دانش‌های قرآنی به نشر می‌سپارند و امیدواریم این مجموعه بپاید و میراث مکتوب قرآنی را شکوهی ویژه بخشد.

و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ أَلْتُجْعِلُ﴾<sup>۱</sup>: همانا بازگشت گاه [همه] در نزد پروردگار توست.

### سرای امتحان

بنا بر آنچه گفته شد، باید دید که انسان چگونه می‌تواند به این هدف دست یابد و راهی که او را به بنای پروردگار متعال می‌رساند، کدام است؟  
در پاسخ باید گفت: انسان در مقام امتحان و آزمون آفریده شده و خداوند متعال، کسی را از این آزمون معاف نکرده است. در این باره خداوند متعال می‌فرماید:

﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾<sup>۲</sup>: اوست که زندگی و مرگ را آفریده تا شما را بیازماید که کدام یک اعمال نیکوتری دارید. ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْقَةٍ أُمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾<sup>۳</sup>: ما انسان را از خون بسته مرکبی آفریدیم. او را می‌آزماییم و او را شنوا و بینا می‌گردانیم. ﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾<sup>۴</sup>: ما هر آنچه را بر روی زمین است، زینت و زیور قرار دادیم، تا انسان‌ها را بیازماییم [و ببینیم که] کدام یک اعمال شایسته‌تری دارند.

بنابراین همه آنچه که در عالم خلقت وجود دارد، امتحان و آزمایش انسان است. از این‌رو، خداوند انسان را بر سر دوراهی قرار داده تا خود راهی را که می‌خواهد برگزیند: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾<sup>۵</sup>: ما او را به راه مستقیم هدایت کردیم، خواه او شکرگزار باشد، خواه ناسپاس. و ﴿فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ﴾<sup>۶</sup>: هرکس

۱. علق (۹۶): ۸.

۲. ملک (۶۷): ۲.

۳. انسان (۷۶): ۲.

۴. کهف (۱۸): ۷.

۵. انسان (۷۶): ۳.

۶. کهف (۱۸): ۲۹.

## مقدمه

از جمله حقایقی که قرآن کریم بدان پرداخته، این است که انسان، بی هدف، بدون دلیل و بیهوده آفریده نشده است:

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾<sup>۱</sup>: آیا گمان می کنید که شما را

بیهوده آفریدیم و به سوی ما باز نمی گردید؟

بنابراین خلقت انسان، هدف و انگیزه‌ای دارد که آدمی برای آن آفریده شده است و آن هدف عبارت است از لقای پروردگار و بازگشت به سوی او. خداوند متعال می فرماید:

﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾<sup>۲</sup>: هرکس به

لقا و دیدار پروردگارش امید دارد، باید عمل شایسته انجام دهد و در عبادت، کسی را شریک او نگرداند.

و می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأْنَنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ﴾<sup>۳</sup> أُولَٰئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ: به درستی آنان که به دیدار ما امید ندارند و به زندگی دنیا راضی شده و بدان دل خوش کرده‌اند و کسانی که از نشانه‌های ما غفلت می کنند، جایگاه آنان آتش است، در ازای آنچه انجام داده‌اند.

۱. مؤمنون (۲۳): ۱۱۵.

۲. کهف (۱۸): ۱۱.

۳. یونس (۱۰): ۷ - ۸.

به درستی می‌پیمایند و به هدف رهنمون می‌گردند و عده‌ای از راه به در رفته، گمراه می‌شوند.<sup>۱</sup>

بر مبنای همین واقعیت است که انسان در نمازهای خود، بارها به درگاه پروردگارش دست دعا برمی‌دارد: ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾<sup>۲</sup>: ما را به راه راست هدایت فرما. چرا که بهترین، صحیح‌ترین و کوتاه‌ترین راه رسیدن به هدف، همان «صراط مستقیم» است؛ زیرا اگر انسان در پی بردن صراط مستقیم توفیق نیابد، ناگزیر گمراه خواهد بود و هرچه سرعت او در پیمودن راهی غیر از صراط مستقیم بیشتر باشد، از هدف دورتر می‌شود.

حضرت امام صادق (ع) در اشاره به این نکته می‌فرماید:

«کسی که بدون بینش و بصیرت کاری را انجام دهد، مانند کسی است که راه نادرستی را در پیش می‌گیرد و سرعت او در آن راه، جز دور شدن از هدف، حاصلی نخواهد داشت».<sup>۳</sup>

اگر انسان در این دنیا صراط مستقیم را بازیابد و در آن حرکت کند، در جهان آخرت به بهشت و نعمت‌های جاودان آن راه خواهد یافت. خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ۖ وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطٍ الْحَمِيدِ﴾<sup>۴</sup>: خداوند کسانی را که ایمان آورند و عمل شایسته انجام دهند، به بهشت‌هایی داخل می‌گرداند که در زیر درختان آن، رودها جاری است و در آن با دست‌بندهایی از طلا زینت می‌کنند و لباسشان از ابریشم است. آنان به کلام پاکیزه و به راه راست هدایت یافتند.

اما اگر در این دنیا از راه راست منحرف شود، در آن جهان نیز از راه رسیدن به رحمت و

۱. علامه طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۶۲.

۲. فاتحه (۱): ۶.

۳. کلینی رازی، الاصول فی الکافی، کتاب فضیلت علم و دانش، ج ۱، ص ۴۳، حدیث ۱.

۴. حج (۲۲): ۲۳ - ۲۴.

می‌خواهد، ایمان آورد و هرکه می‌خواهد، کفر ورزد.

پس اگر انسان بتواند بر مسیری - که او را به هدفی که برای آن آفریده شده می‌رساند - استوار و ثابت قدم بماند، از هدایت یافتگان است و در غیر این صورت، از گمراهان خواهد بود. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً قَبِيْلُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾<sup>۱</sup>: ای ایمان‌آوردگان! بر شما باد [توجه و مراقبت از] نفس خویش که اگر شما راه هدایت را باز یابید، همراه شدن دیگران برایتان ضرری ندارد. بازگشت شما به سوی خداست و او شما را از آنچه که انجام داده‌اید باخبر می‌کند.

راغب اصفهانی در کتاب المفردات آورده است: ضلالت عبارت است از انحراف از صراط مستقیم. و متضاد آن هدایت است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهِ﴾<sup>۲</sup>. هرکس هدایت یابد، برای خود و به نفع خود هدایت شده و هرکه گمراه شود، به زیان خود کار کرده است.

بنابراین هر نوع انحراف از راه راست، عمدی یا سهوی، کم یا زیاد، ضلالت نام دارد.<sup>۳</sup> علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان آورده است:

گمراهی یا هدایت - که دو مفهوم متضاد هستند - در پیمودن مسیر و راه مفهوم پیدا می‌کنند؛ بدین معنا که هرکس به پیمودن راه مقید باشد، به جایی می‌رسد که پایان راه در آنجاست و این، همان هدف مطلوبی است که انسان سالک در نظر دارد؛ اما اگر بر پیمودن مسیر راه پایبند نباشد و از آن منحرف شود، به گمراهی افتاده و از هدف مورد نظر دور می‌شود. این آیه شریفه، بیان می‌دارد که در هر حال، انسان راه و مسیری را در پیش دارد و هدفی را نیز در نظر می‌گیرد؛ اما تفاوت در آن است که گروهی، مسیر را

۱. مائده (۵): ۱۰۵.

۲. یونس (۱۰): ۱۰۸.

۳. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۹۷، ماده «ضل».

می‌شود و اگر آنها شرک بورزند، اعمالشان نابود و تباه می‌گردد.

سپس ما را به پیروی از پیامبران و الگو قرار دادن آنها فرمان داده، می‌فرماید: ﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَىٰ اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِمْ﴾<sup>۱</sup>: آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان فرموده، پس تو نیز از راه ایشان پیروی کن.

از طرفی، قرآن کریم به شکل ویژه ما را به پیروی از پیامبر اکرم ﷺ و اسوه و الگو قرار دادن ایشان امر فرموده است و تأکید می‌کند:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾<sup>۲</sup>: [ای پیامبر! به مردم] بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من اطاعت کنید تا خداوند نیز شما را دوست بدارد و گناهان شما را ببخشد، که خدا بخشاینده مهربان است.

و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿إِنْ كُنْتُمْ كَانَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾<sup>۳</sup>: به درستی که رسول خدا برای شما الگو و اسوه حسنه است؛ برای کسی که به خداوند و روز واپسین امید دارد و بسیار خدا را یاد می‌کند.

بنابراین راه راست و صراط مستقیم که انسان را به خداوند متعال می‌رساند، پیروی از رسول اکرم ﷺ است و این پیروی و اطاعت، میسر نمی‌شود مگر آنکه تمام آنچه را که از آن حضرت به ما رسیده است، بپذیریم و اطاعت کنیم که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾<sup>۴</sup>: هر آنچه پیامبر به شما داد، بستانید [و بیش از آن نخواهید] و هر چه شما را از آن نهی کرد، دست بازگیرید.

بر این اساس، ابو حمزه ثمالی از حضرت امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: پیامبر اکرم ﷺ در خطبه‌ای، که در حجة الوداع ایراد کردند، فرمودند:

ای مردم! به خدا سوگند، هیچ چیز که شما را به بهشت نزدیک و از جهنم دور می‌کند

۱. همان: ۹۰.

۲. آل عمران (۳): ۳۱.

۳. احزاب (۳۳): ۲۱.

۴. حشر (۵۹): ۷.

رضوان الهی دور خواهد ماند. خداوند دربارهٔ این گروه می‌فرماید:

﴿أَخْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ﴾ \* مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ<sup>۱</sup>: کسانی را که ستم کرده‌اند به همراه همسران آنان، با آنچه که به جای خدا می‌پرستیدند، محشور کنید و آنان را به سوی جهنم روانه کنید.

### صراط مستقیم، راه راست

حال که چنین است، باید دید صراط مستقیم که پیمودن آن برای رسیدن به قرب الهی و لقای او ضرورت دارد، چیست؟

قرآن کریم می‌گوید که تمامی پیامبران و در رأس آنها، حضرت خاتم‌الانبیاء والمرسلین علیهم‌السلام کسانی‌اند که خداوند، آنان را به راه راست هدایت فرموده است. خدای تعالی می‌فرماید:

﴿كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ \* وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِيلَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ \* وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ \* وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ \* ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ<sup>۲</sup>: همه آنان را هدایت کردیم و پیش از آن، نوح را نیز هدایت نمودیم و از خاندان او نیز داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را [هدایت کردیم] و نیکوکاران را این چنین پاداش می‌دهیم و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس، همگی از صالحان بودند و اسماعیل و الیسع و یونس و لوط را بر جهانیان برتری دادیم و از پدران و خاندان و برادران آنان، عده‌ای را برگزیدیم و به راه راست هدایت کردیم. این هدایت الهی است که هرکدام از بندگان را که بخواهد، بدان رهنمون

۱. صافات (۳۷): ۲۲ - ۲۳.

۲. انعام (۶): ۸۴ - ۸۸.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این حدیث بیان فرموده‌اند که تمسک به قرآن و ائمه اطهار علیهم السلام تنها راه نجات از گمراهی است. از این رو در برخی از ادعیه وارده می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»<sup>۱</sup> خداوند! خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را هم نخواهم شناخت. خداوند! پیامبرت را به من بشناسان که اگر پیامبرت را به من نشناسانی، حجت تو را هم نخواهم شناخت. خداوند! حجت خود را به من بشناسان که اگر حجتت را به من نشناسانی، از دینم گمراه می‌شوم.

باتوجه به آنچه گفته شد روشن می‌شود که آنچه می‌تواند انسان را از گمراهی نجات دهد و به راه راست و صراط مستقیم دنیا و آخرت هدایت کند، شناخت خداوند، رسول خدا و حجت خداست.

### ریسمان صعود

در ادامه، قرآن کریم واقعیت دیگری را درباره انسان مطرح کرده، می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»<sup>۲</sup> ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ<sup>۳</sup>: به راستی انسان را در بهترین صورت آفریدیم. سپس [به واسطه اعمالش] او را به پست‌ترین درجات بازگرداندیم.

پس حقیقت آن است که انسان در سرای دنیا، در اسفل سافلین و پست‌ترین جایگاه‌ها زندگی می‌کند و برای او لازم است که وقتی راه و هدف را شناخت، از مرتبه پست و پایین، به سوی بالا حرکت آغاز کند. خداوند می‌فرماید:

«إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»<sup>۴</sup>: کلام نیکو و سخن پاکیزه، به

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای زمان غیبت.

۲. تین (۹۵): ۴ - ۵.

۳. فاطر (۳۵): ۱۰.

وجود ندارد؛ مگر آنکه من شما را بدان فرمان داده‌ام و هیچ چیز که شما را به آتش، نزدیک و از بهشت دور کند وجود ندارد؛ مگر آنکه من شما را از آن بازداشته‌ام.<sup>۱</sup> و از آنجا که به فرموده قرآن کریم، پیامبر اکرم از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»<sup>۲</sup>: [پیامبر شما] هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید [چیزی نمی‌گوید] مگر آنکه وحی الهی به او رسیده باشد. بنابراین برای رسیدن به رضای خداوند، راهی جز اطاعت و پیروی از ایشان نیست.

از سوی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود چگونگی پیروی از آن حضرت، برای راه‌یابی به راه درست و نجات از گمراهی را مشخص کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند:

من در میان شما، چیز گران‌بها بر جای گذاشته‌ام که اگر بدان تمسک کنید، پس از من هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا که ریسمان میان آسمان و زمین است و خاندان و اهل بیت. این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند، تا زمانی که در حوض کوثر بر من وارد گردند. پس بنگرید که پس از من با آن دو چه می‌کنید.<sup>۳</sup>

۱. الاصول من الکافی، کتاب ایمان و کفر، ج ۲، ص ۷۴، باب طاعت و عوا.

۲. نجم (۵۳): ۳ - ۴.

۳. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۶۴، ح ۳۷۵۶. در کتاب فتنات الاذهار فی حلالة عیقات الانوار (ج ۱، ص ۱۸۵) آمده است: «پیش از سی تن از صحابه و در حدود سیصد تن از علمای بزرگ اهل سنت، در قرن‌های مختلف این حدیث را با الفاظ مختلف و با استناد به منابع متعدد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که در میان آنها، صاحبان کتاب‌های صحیح و مسند و علمای حدیث و تفسیر و تاریخ به چشم می‌خورند. پس این حدیث در میان مسلمانان متواتر است».

برخی از علمای معاصر گفته‌اند: «باتوجه به مجموعه روایان این حدیث از شیعه و سنی و از گروه‌های مختلف علما، این حدیث نزدیک به تواتر، بلکه متواتر است. اختلاف روایان در کم و زیاد شدن واژگان، به دلیل تعدد موارد صدور حدیث، طبیعی است. برخی هم آن را نقل به مضمون کرده‌اند؛ اما اصل حدیث و صدور آن یقیناً متواتر است.

برای اعتماد و اطمینان محققان در استناد به این حدیث، همین بس که کتاب‌های ذیل، از جمله روایان آن هستند: صحیح مسلم، سنن دارمی، خصائص نسائی، سنن ابی‌داود، سنن ابن‌ماجه، مسند احمد، مستدرک حاکم، ذخائر طبری، حلیه الاولیاء، کتالعمال و مواردی از این دست. مفسران بزرگی چون رازی، تعلبی، نیشابوری، خازن، ابن‌کثیر و... آن را روایت کرده‌اند. همچنین در بسیاری از کتاب‌های تاریخ، لغت، سیره و تراجم نیز نقل شده است و گمان نمی‌رود که هیچ حدیثی از نظر شهرت و اعتبار به پای این حدیث برسد». (اصول و مبانی فقه مقارن، ص ۱۶۴).

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾<sup>۱</sup>: به درستی که این قرآن، [انسان را] به صحیح‌ترین و برترین راه هدایت می‌کند، فرموده است: «راه راست، امام معصوم است؛ یعنی قرآن به سوی امام معصوم هدایت می‌کند».<sup>۲</sup>

بدین ترتیب معنای کلام حضرت امیرمؤمنان علیه السلام آشکار می‌شود که فرموده‌اند: «آن کتاب [قرآن] صامت است و من قرآن ناطق هستم»<sup>۳</sup> و این سخن به معنای آن نیست که آن حضرت سخنگوی قرآن و نماینده قرآن هستند، بلکه او خود، قرآن مجسم است. از این رو، علمای شعه و اهل سنت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که فرمود: «علی با حق است و حق با علی، هر کجا که باشد»<sup>۴</sup>؛ یعنی حق همان جایی است که علی علیه السلام باشد؛ زیرا او قرآن ناطق و تجسم زنده کتاب خدا در عرصه زندگی واقعی مردم است.

بر این اساس می‌توان مفهوم حدیثی را که در تفسیر عیاشی به نقل از امام صادق علیه السلام نقل شده دریافت. آنجا که فرمودند: «صراط مستقیم، امیرمؤمنان علیه السلام است». همچنین در کتاب المعانی به نقل از امام صادق علیه السلام آمده است:

راه شناخت و معرفت خدا، دو راه است: یک صراط در دنیا و یک صراط در آخرت. صراطی که در دنیا است، امام واجب‌الاطاعة است و هر کس در دنیا او را بشناسد و از او پیروی کند، در آخرت نیز از روی صراط که پل عبور از جهنم است، می‌تواند عبور کند؛ اما هر کس که در دنیا او را نشناسد، در آخرت نیز گام‌هایش می‌لرزد و در آتش جهنم فرو می‌غلطد.<sup>۵</sup>

بدین ترتیب مفهوم فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آشکار می‌شود که فرمودند: آیا خبر دهم شما را از حال قومی که هرگاه نامی از آل ابراهیم علیهم السلام به میان آید، شادمان

۱. اسراء (۱۷): ۹.

۲. الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۲۱۶، حدیث ۲.

۳. بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۲۷۲.

۴. بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۱۸۸.

۵. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۱.

سوی خداوند صعود می‌کند و عمل صالح است که آن را بالا می‌برد.

این صعود و بالا رفتن، مکانی و مادی نیست، بلکه معنوی است. ارتفاع گرفتن و بالارفتن، گاهی جنبه مکانی دارد؛ مانند زمانی که انسان به جای مرتفعی صعود کند؛ اما گاهی این صعود جنبه معنوی دارد؛ چنان که خداوند متعال درباره حضرت ادریس پیامبر علیه السلام می‌فرماید: ﴿وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا﴾<sup>۱</sup>؛ و او را تا جایگاه رفیعی بالا بردیم که مرا از این ارتفاع مکانی بوده، بلکه جایگاه معنوی در نزد باری تعالی است.

از طرفی، در قرآن کریم و روایات رسیده از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌بینیم که انسان برای صعود معنوی به ریسمان و طناب نیاز دارد، خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾<sup>۲</sup>؛ همگی به ریسمان محکم الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید. برای آشنایی با این وسیله صعود که قرآن کریم ما را به تمسک به آن فرمان داده است؛ بار دیگر به حدیث ثقلین باز می‌گردیم تا دریابیم که منظور از این ریسمان چیست؟ پیامبر اکرم در خطبه مشهوری که در «حجة الوداع» و در مسجد «خیف» ایراد فرمودند، آورده‌اند:

«من دو چیز گران‌بها در میان شما برجا می‌گذارم: نقل اکبر، که قرآن است و ثقل اصغر، که اهل بیت و خاندانم است. آن‌ها، ریسمان الهی هستند که میان شما و پروردگار عزوجل کشیده شده است. تا زمانی که به آن دو تمسک جویند، گمراه نخواهند شد».<sup>۳</sup>

می‌بینیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرآن و عترت را یک ریسمان نامیده‌اند، نه دو ریسمان مفهوم این گفته آن است که تمسک و توسل به ائمه اطهار، جدای از تمسک به قرآن کریم نیست، بلکه آن دو، یک حقیقت واحدند و تنها تفاوت موجود، آن است که عترت پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن ناطق هستند و قرآن، عترت صامت است. از این رو، حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه

۱. مریم (۱۹): ۵۷.

۲. آل عمران (۳): ۱۰۳.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۰۲، بیروت: موسسه الوفاء.

ما را انکار کند و ما نیز او را انکار کنیم. خداوند متعال اگر می‌خواست، خود را [مستقیماً] به بندگان معرفی می‌کرد؛ اما ما را راه شناخت و در معرفت خود قرار داده است و ما وجه الله هستیم که خدا در آن تجلی می‌کند. هرکس از ولایت ما سر باز زند، یا دیگری را بر ما مقدم دارد، از راه راست منحرف شده است. کسانی که مردم از آنها تبعیت می‌کنند، یکسان نیستند. آیا اینکه مردم به سوی آب‌های تیره و هولناک رو کنند و اینکه به سوی چشمه‌های زلال و پاک که به فرمان خدا جاری شده و همواره بدون انقطاع در جریان است، رو آورند، با هم یکسان و برابر است؟<sup>۱</sup>

از این رو، عمرو بن حریث به نقل از حضرت امام صادق علیه السلام در معنای عبارت: ﴿كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ در آیه شریفه: ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ \* تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾<sup>۲</sup> آیا ندیدی که خداوند چگونه سخن پاک و نیکو را به درختی پاک‌نهاد تشبیه کرد، که ریشه‌اش ثابت و شاخ و برگ آن در آسمان است و به اراده پروردگارش، همواره ثمر و میوه می‌دهد. خداوند این مثال‌ها را برای مردم بیان می‌کند، باشد که اندرز گیرند. آورده است که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله اصل و ریشه آن درخت است، امیرمؤمنان علیه السلام تنه آن، ائمه اطهار علیهم السلام

شاخه‌های آن، علم ائمه میوه آن و شیعیان مؤمن آنها نیز برگ‌های آن هستند.<sup>۳</sup>

پس از آنکه مشخص شد، انسان به سوی خداوند متعال در حرکت است و برای رسیدن به نزدیکی به پروردگار و لقای او می‌کوشد و این مهم، جز با پیروی از قرآن کریم و خاندان پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - که ریسمان صعود به سوی خداوند هستند - میسر نیست، قرآن کریم

۱. الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۱۸۴، حدیث ۹.

۲. ابراهیم (۱۴): ۲۴ - ۲۵.

۳. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۶۳.

و فرحناک گردد؛ ولی چون از آل محمد علیهم السلام سخن به میان آید، دل‌هایشان آزرده شود؟ سوگند به آنکه جان محمد در دست اوست، اگر بنده‌ای در روز قیامت به اندازه عبادت هفتاد پیامبر را با خود داشته باشد، از او پذیرفته نخواهد شد؛ مگر آنکه با دوستی و ولایت من و خاندانم خدا را ملاقات کند.<sup>۱</sup>

از این رو، امام باقر علیه السلام فرموده‌اند:

هر کس خدا را می‌شناسد، او را عبادت می‌کند. اما کسی که خدا را نمی‌شناسد، او را بدون آگاهی و کورکورانه می‌پرستد. سوال شد: فدایت شوم! معرفت خدا چیست؟ فرمود: تصدیق خداوند و تصدیق رسول خدا صلی الله علیه و آله و ولایت و دوستی او و پذیرش امامت علی علیه السلام و ائمه هدی علیهم السلام و دوری جستن از دشمنان آنان؛ این است معرفت و شناخت خداوند عزوجل.<sup>۲</sup>

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: این کواء به محضر امیر مؤمنان علیه السلام آمد و عرض کرد: ای امیر مؤمنان! معنای آیه: «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ»<sup>۳</sup> [در روز قیامت] بر وادی اعراف گروهی هستند که هر کس را از روی چهره می‌شناسند، چیست؟ حضرت فرمود:

آنها که بر وادی «اعراف» هستند، ما هستیم. یاران و پیروان خود را از روی چهره‌شان می‌شناسیم. ما شناخته‌شدگانی هستیم که برای شناخت خداوند عزوجل راهی جز شناخت ما وجود ندارد. ما اعراف [شناخته‌شدگانی] هستیم که خداوند متعال در روز قیامت ما را بر پل صراط معرفی می‌کند. هیچ کس به بهشت داخل نمی‌شود؛ مگر آنکه ما را بشناسد و ما نیز او را بشناسیم و هیچ کس وارد جهنم نمی‌شود؛ مگر آنکه

۱. جامع احادیث الشیعه، ج ۱، ص ۴۳۸، حدیث ۹۸۳. این حدیث شریف، در لفظ و معنا ناظر به آیه شریف ۴۵ از سوره مبارک زمر است که می‌فرماید: آن‌گاه که نام خداوند به میان آید، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند، آزرده شود و چون دیگران نام برده شوند، شادمان و مسرور گردند. (مترجم).

۲. الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۹۸، حدیث ۱.

۳. اعراف (۷): ۴۶.

که توشه آخرت، او را به عرصه جلال و آستان قدس الهی رهنمون می‌کند. با توجه به مجموع دلایلی که بیان کردیم، آشکار می‌شود همانا برتری زاد و توشه سفر، تقواست. با اثبات این نکته، به تفسیر آیه شریف مذکور باز می‌گردیم که گویی خداوند در آن فرموده است: حال که ثابت باشد، بهترین توشه تقواست، پس ای صاحبان خرد و اندیشه! به تقوا و پرهیزکاری روی آورید؛ یعنی اینکه اگر از اندیشه و خرد برخوردارید و حقایق را درمی‌یابید، عقل شما حکم می‌کند که به جمع‌آوری این زاد و فراهم کردن این توشه راه پردازید که در آن خیر و منفعت بسیار است. شاعر بر آوازه اعیان در توصیف این معنا آورده است:

اگر تو بدون برگرفتن توشه‌ای از تقوا، از این دنیا بروی و فردای قیامت دیگران را ببینی که توشه برگرفته‌اند، پشیمان می‌شوی که چرا همانند آنها نبوده‌ای و این کار را انجام نداده‌ای و آنچه را که آنها دریافته و دیده بودند، تو ندیده بودی.<sup>۱</sup>

قرآن کریم تصریح کرده است که بهترین روش برای رسیدن انسان به این هدف، شب‌زنده‌داری است. خداوند متعال فرموده است:

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾<sup>۲</sup> شب هنگام به برپاداشتن نافله شب به پاخیز، باشد که پروردگارت تو را به مقام محمود و جایگاه والا برساند.

و نیز فرموده است:

﴿قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ۖ نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ۖ أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرَّجُلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ۖ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ۖ إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا﴾<sup>۳</sup> [ای پیامبر] شب را به پاخیز، جز اندکی از آن، نیمی از شب یا اندکی کمتر از آن و یا حتی بیشتر از آن و

۱. فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۵، ص ۱۶۸.

۲. اسراء (۱۷): ۷۹.

۳. مزمل (۷۳): ۲ - ۶.

به زاد و توشه لازم برای این سفر الهی اشاره کرده، می‌فرماید:

﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾<sup>۱</sup> زاد و توشه فراهم کنید و همانا بهترین توشه، تقوا و پرهیزکاری است. پس از من پروا کنید، ای صاحبان خرد! فخر رازی در تفسیر این آیه شریف آورده است:

منظور آیه آن است که تقوا را توشه قرار دهید و دلیل آن هم این است که در ادامه عبارت «تَزَوَّدُوا؛ توشه فراهم کنید» فرموده است: «فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ؛ بهترین زاد و توشه تقوا است».

در توضیح مطلب باید گفت که انسان، دو سفر در پیش دارد: یکی سفر در دنیا و دیگری سفر از دنیا؛ همان‌گونه که در سفر دنیا نیازمند زاد و توشه مانند غذا و مرکب و مال است؛ در سفر از دنیا نیز زاد و توشه اش، شناخت خداوند و دل‌بستگی به او و روی‌گرداندن از غیر اوست و این زاد و توشه، بسیار برتر و مهم‌تر از زاد و توشه سفر اول است، چرا که: الف) توشه دنیا انسان را از عذاب و سختی‌های خیالی رها می‌کند؛ اما توشه آخرت، او را از عذاب قطعی و حتمی می‌رهاند.

ب) توشه دنیا، عذاب و رنج موقت را از میان می‌برد؛ اما توشه آخرت، انسان را از عذاب جاودان نجات می‌بخشد.

ج) توشه دنیا، انسان را به کامیابی‌های آمیخته با رنج و بیماری و دشواری می‌رساند؛ اما توشه آخرت، او را به لذت و کامیابی‌های جاوید می‌رساند که احتمال نقص و کاستی یا قطع و زوال در آن راه ندارد.

د) توشه دنیا، توشه سرائی است که همواره رو به کاستی و فنا دارد؛ حال آنکه توشه آخرت، انسان را به سرائی رهنمون می‌شود که هر لحظه، موعد فرارسیدن آن نزدیک‌تر می‌گردد.

ه) توشه دنیا، انسان را به سوی خاستگاه هواهای نفسانی و شهوت‌ها می‌برد؛ در حالی

می‌شود، بدون آنکه نقش و جایگاه آن برای سالک طریق الی الله مشخص شود.

### حسن ختام

در پایان این مقدمه، چند مورد از سخنان گهربار ائمه معصومین علیهم‌السلام به ویژه کلمات امام متقین، امیرالمؤمنین علیه‌السلام را ذکر می‌کنیم:

امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود:

بندگان خدا! شما را به تقوای الهی وصیت می‌کنم که بهترین توشه و مطمئن‌ترین پناهگاه است؛ توشه رساننده و پناهگاه نجات دهنده.

بهترین پیام‌آوران [پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم] بدان دعوت کرده و برترین هوشیاران [امام علی علیه‌السلام] آن را دریافته‌اند. گوینده به وظیفه خود عمل کرده و شنونده، رستگار شده است.

بندگان خدا! تقوای الهی، اولیای خدا را از ارتکاب محرمات بازداشته و دل‌هاشان را به هراس افکنده است تا جایی که شب‌ها را به بیداری و شب زنده‌داری می‌گذرانند و روز را در شدت گرما، تشنه کام [روژه] اند. سختی و دشواری را بر راحتی و آسایش ترجیح داده‌اند و تشنگی را بر سیراب شدن برگزیده‌اند. مرگ را نزدیک دیده‌اند، پس به سوی کار خیر شتافته و با آرزو [در از] مبارزه کرده‌اند و مرگ را در پیش چشم عیان می‌بینند.<sup>۱</sup>

بندگان خدا! آگاه باشید که پرهیزکاری، پناهگاهی است مورد اعتماد و تبهکاری، قرارگاهی است ذلت‌آور که ساکنان خود را پناه نمی‌دهد و پناه‌آورنده به خود را حراست نمی‌کند. بدانید که زهر گناهان، تنها با پرهیزکاری خنثی می‌شود و هدف نهایی [بهشت] تنها با یقین قابل دسترسی است.

بندگان خدا! خدا را در نظر بگیرید، درباره عزیزترین موجودات و دوست‌داشتنی‌ترین

قرآن را به ترتیل تلاوت کن. ما بر تو سخن گران‌سنگی را نازل می‌کنیم. ساعات شب، فرصت مناسبی برای همراهی دل و زبان و قرائت و تفکر است.

علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) در تفسیر این آیات شریف آورده است:

منظور از به پاخاستن در شب، به پاخاستن برای اقامه نماز شب است و منظور از «قول ثقیل» در عبارت ﴿إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾: ما بر تو سخن گران‌سنگی نازل می‌کنیم قرآن کریم است. این آیه شریف، می‌خواهد علت حکمی را که در ابتدا با عبارت ﴿قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا﴾: شب را به پاخیز، خطاب به پیامبر اکرم ﷺ امر شده، بیان کند و نشان دهد که فرمان شب‌زنده‌داری و توجه به خداوند متعال در نماز شب، مقدمه و وسیله‌ای برای مقام قرب الهی و یافتن شرف حضور در بارگاه او و درک قول ثقیل است. پس شب‌زنده‌داری، راه رسیدن به این جایگاه رفیع می‌باشد.

قرآن کریم پس از آنکه در ابتدای سوره، تنها پیامبر اکرم ﷺ را خطاب می‌کند، در ادامه این آیات، با هدف اینکه دیگر مؤمنان را نیز مشمول این خطاب قرار دهد، می‌فرماید: ﴿إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾<sup>۱</sup> همانا این تذکر و پندی است. پس هر که می‌خواهد، به سوی پروردگار راهی در پیش گیرد چه بسا این آیه، اشاره‌ای به آیات ابتدای سوره باشد که به شب‌زنده‌داری و اقامه نماز شب و تهجد تأکید می‌کند. از این رو، از حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) نقل شده که فرمود:

«رسیدن به خدای عزوجل جز با شب‌زنده‌داری ممکن نیست».<sup>۲</sup> پس آشکار شد که بهترین وسیله‌ای که انسان با استفاده از آن می‌تواند به سوی خداوند متعال گام بردارد و به لقایش نائل شود، شب‌زنده‌داری است و برترین زاد و توشه، تقوا و بهترین راه، صراط مستقیم است. بدین ترتیب نقش مهم تقوا در زندگی انسان و جایگاه آن در مجموعه معارف اسلامی مشخص شد؛ حال آنکه در بسیاری از موارد، به تقوا و پرهیزکاری تأکید

۱. زمزم (۷۳): ۱۹.

۲. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۸۳.

پس به سوی قیامت رو کنید و از مرگ استقبال نمایید؛ زیرا ممکن است آرزوی دراز، میان انسان و آخرت فاصله اندازد؛ اما به ناگاه، مرگ گریبان او را بگیرد و راه توبه و بازگشت به روی او مسدود گردد.

شما همانند کسی هستید که از دنیا رفته و درخواست بازگشت به آن را دارد. شما مسافر هستید. از خانه‌ای که خانه شما نیست، بانگ رحیل و ندای سفر بلند شده و فرمان داده‌اند که توشه بگیرید.

آگاه باشید که این پوست لطیف و نازک، طاقت تحمل آتش را ندارد. پس به خود رحم کنید؛ زیرا شما خود را در سختی‌های دنیا آزموده‌اید و دیده‌اید که چگونه از فرو رفتن خاری در بدن، رجید، می‌شوید و از بر زمین افتادنی، خون از بدنتان جاری می‌شود. پس چگونه می‌تواند در میان فشار سنگ‌های آتشین و در کنار شیطان [در جهنم] دوام آورید؟

آیا می‌دانید که هرگاه نگهبان جهنم خشمگین شود، شعله‌های آتش از خشم او، درهم می‌شوند و یک‌دیگر را می‌بلعند و آن‌گاه که شراره آتش را بگیرد، شعله‌ها از میان درهای جهنم سر برآورند؟<sup>۱</sup>

ای گروه مردمان! تقوا پیشه کنید، که چه بسیار آرزومانی که به آرزوی خود نرسیدند و چه بسیار افرادی که خانه‌ها ساختند و در آن سکونت کردند و چه بسیار کسانی که ثروتی را با تضييع حقوق دیگران جمع کردند و آن را برجا گذاشته و می‌روند و چه بسا آن را از راه حرام جمع کرده و برای کسب آن، گناहانی را مرتکب شده بودند و گناه و معصیت آن گریبان‌گیر آنها گردیده و با کمال تأسف و پشیمانی در پیشگاه خداوند حاضر می‌شوند؛ در حالی که دنیا و آخرت را از دست داده‌اند و این است زیان‌کاری آشکار.<sup>۲</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳.

۲. همان، کلمات قصار، شماره ۳۴۴.

چیزها در نزد شما [که نفس خودتان است] چرا که خداوند طریق حق را برای شما آشکار کرده و راه آن را نورانی ساخته است؛ بدبختی دائمی و یا سعادت همیشگی. پس در روزگار نیستی و فنا [دنیا]، برای زندگی ادبی و جاودان، توشه فراهم کنید. توشه و سرمایه را به شما نشان داده‌اند، شما را به کوچ کردن امر نموده‌اند و به حرکت تشویق کرده‌اند؛ زیرا شما همانند کاروانیانی هستید که متوقف شده‌اند و نمی‌دانند چه هنگام فرمان حرکت صادر می‌شود. کسی که برای آخرت آفریده شده را به دنیا چه کار؟

کسی که به زودی از مال و ثروت خود جدا می‌شود و سختی و حساب آن برایش باقی می‌ماند را به مال دنیا چه کار؟<sup>۱</sup>

[خداوند] شما را به برهیزکاری سفارش کرده و آن را غایت خشنودی و نهایت خواسته خود از خلق قرار داده است. پس برهیز کنید از خدایی که در برابر دیدگان او قرار دارید و موی پیشانی‌تان در دست اوست و حرکات و سکناات شما در قبضه قدرت اوست.

آنچه را که پنهان کنید، می‌داند و آنچه را که آشکار نمایید، به ثبت می‌رساند و برای این کار، نویسندگان لایقی را گماشته است که حقی را از قلم نمی‌اندازند و خطا و باطلی را به ثبت نمی‌رسانند.

بدانید که هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند برای او گریزگاهی از فتنه‌ها و نوری در تاریکی‌ها قرار می‌دهد. [در بهشت] او را در آنچه که اراده کند، جاودانه می‌گرداند و او را در جایگاه کرامت و بزرگی مسکن می‌دهد؛ در سربایی که بنده مؤمن [با کارهای نیکو] برای خود ساخته است؛ خانه‌ای که سایبان آن عرش خدا و روشنایی آن از درخشش نور خدا، ملاقات کنندگان آن خانه، فرشتگان خدا و همشینانش پیامبران خدا هستند.

✽ بدانید که یکی از عوامل سلامتی بدن، تقوای قلب است.<sup>۱</sup>

✽ هیچ عزتی، بالاتر از پرهیزکاری و هیچ تدبیری برتر از ورع و خویشتن‌داری نیست.<sup>۲</sup>

✽ اگر تقوا وجود داشته باشد، هیچ عملی اندک نخواهد بود.

✽ چگونه ممکن است عملی که پذیرفته می‌شود، اندک باشد؟<sup>۳</sup>

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمود:

اگر خداوند بنده‌ای را از ذلت گنهکاری به عزت پرهیزکاری برساند، او را بی‌نیاز می‌کند، بدون آنکه مالی داشته باشد و عزیز می‌کند، بدون آنکه او را خویشاوندانی باشند و انس می‌دهد، بدون آنکه بشری همنشین او باشد.<sup>۴</sup>

۱. همان، شماره ۲۸۸.

۲. همان، شماره ۳۷۱.

۳. الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۷۵، حدیث ۵.

۴. همان، حدیث ۸.

خدای شما را بیمارزد! آماده حرکت شوید که بانگ رحیل به صدا درآمده است. توجه به دنیا را کم کنید و توشه‌ای مناسب برای راه خود فراهم آورید، چرا که در برابر شما گردنه‌های سخت و توقفگاه‌های ترس‌آور و هراس‌انگیز قرار دارید که ناگزیر باید از آنها بگذرید و در آن توقف کنید. آگاه باشید! که چشمان اجل با خشم به شما دوخته شده و به شما نزدیک می‌شود؛ گویی در چنگال مرگ گرفتار شده‌اید و پنجه‌های آن در بدنتان فرو رفته و زمان دشواری‌هایی که از آن هراس داشتید و سختی‌هایی که از آن گریزان بودید فرا رسیده است.

پس رشته‌های علاقه خود به دنیا را بگسلید و به توشه تقوا و پرهیزکاری اتکا کنید.<sup>۱</sup> فضل بن عمر، روایت کرده است که در محضر حضرت امام صادق (ع) نشسته بودیم و سخن از اعمال انسان به میان آمد، عرض کردم: «چقدر اعمال من ناچیز است». فرمود: «این‌گونه سخن مگو و استغفار کن». سپس فرمود: «عمل اندک با تقوا بهتر است از اعمال زیاد بدون تقوا». عرض کردم: چگونه ممکن است اعمال زیاد بدون تقوا باشد؟ فرمود: «ممکن است شخصی دیگران را طعام دهد و بر همسایگان مهر ورزد و [در اثر] مهمانی‌های بسیار و برآوردن حاجات مؤمنانی که به منزل او وارد می‌شوند] آمدوشد بسیار داشته باشد؛ اما اگر برایش راهی به عمل حرام گشوده شود، بدان داخل گردد، پس از آن اعمال بدون تقوا بوده است. اما ممکن است شخص دیگری چنین امکاناتی را نداشته باشد؛ اما اگر برایش فرصت عمل حرام پیش بیاید، به آن کار حرام وارد نمی‌گردد».<sup>۲</sup>

و از کلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین (ع) است که فرمود:

❖ پرهیزکاری، سرکرده اخلاق پسندیده است.<sup>۳</sup>

۱. همان، خطبه ۲۰۴.

۲. الاصول من الکافی، کتاب ایمان و فکر، ج ۲، ص ۷۶، باب طاعت و تقوا، حدیث ۷.

۳. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۱۰.